

بررسی دیدگاه علمای فریقین در تعیین حدود پوشش و اشتغال زنان

سحر افتخاری*

اشاره

امروزه در حوزه مطالعات زنان، مسائل بسیاری وجود دارد که اندیشمندان اجتماعی و صاحب نظران در این حوزه به صورت جدی درباره آن بحث می کنند. در میان این مسائل برخی از مسائل هست که نسبت به دیگر مسائل، به لحاظ مسئله بودگی و نیز آسیب های ممکن در آن، اهمیت بیشتری دارند. از میان آن ها می توان به دو مسئله پوشش (حجاب) و اشتغال بیرون از خانه زنان اشاره کرد.

حجاب یکی از مفاهیم مهم، حیاتی و با اهمیت در اسلام است و یک عنصر اصلی از هویت و تعیین کرامت انسان در نظر گرفته می شود. حجاب در اسلام نقش مهمی در تقویت ارزش های اخلاقی و اجتماعی دارد؛ زیرا این پوشش نه تنها از دیدگاه نامناسب نامحرمان، حفاظت می کند، بلکه هویت و ارزش های فردی را نیز به نمایش می گذارد.

اشتغال زنان نیز در کنار مسئله حجاب، از دیگر مسائلی است که باید درباره آن به گفتگو نشست. چرایی آن هم درباره فوایدی است که از این موضوع عاید فرد، خانواده و جامعه می شو؛ از سوی دیگر آسیب هایی است که برای این سه دسته (فرد، خانواده و اجتماع) به همراه دارد. اشتغال در مفهوم جدید آن که فعالیت اقتصادی مزدبگیر در ساعات معین و خارج از محیط خانه است، بیشتر محصول انقلاب صنعتی و جایگزین شدن کار در کارخانه ها و ادارات به جای فعالیت های کشاورزی و دامداری است که در کنار خانه و در ساعات انعطاف پذیر، انجام می گرفت. رشد روزافزون حضور زنان در عرصه های اقتصادی، هم ناشی از تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده و هم منشأ تحولاتی در همه این عرصه ها است. نگارش حاضر بر آن

* دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه خواهران.

است که به مقایسه همه جانبه این دو مسئله در نگاه فریقین و با نگاه تطبیقی و قیاسی پردازد.

۱. دیدگاه مفسران و فقهای شیعه و اهل سنت درباره حجاب

همه مفسران اعم از شیعه و اهل سنت، درباره اصل مسئله واجب بودن حجاب و پوشش زنان اتفاق نظر دارند. آیه ۵۹ سوره احزاب در این باره است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ
ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛

ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌های [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و آزار قرار نینهند، بهتر است. (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

عموم مفسران این مطلب را ذکر کرده‌اند که این پوشش وسیله‌ای برای تمایز زنان آزاد از زنان برده بوده؛ اما با توجه به معنای جلباب در آیه ۳۱ سوره نور:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛

و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)،

تأکید کرده‌اند که پوشش گردن و سینه و موی سر واجب است؛ اما پوشش صورت و دست‌ها یا ساق پاها و انگشتان درحالی که حنا داشته باشد را بیش و کم استثنا کرده‌اند.^۱

فقها و مفسران درباره واژه «جلباب» حدود متفاوتی را برای آن تعیین کرده‌اند؛ به طور مثال، راغب اصفهانی آن را به «جامعه» معنا نموده است.^۲ قدر مشترک همه آن‌ها این است که جلباب

۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۵۲؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۲؛ محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۶۱؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۷، ص ۱۲۷؛ محمد بن اسماعیل بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۳، ص ۱۹۶؛ اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۴۲ و جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، ج ۵، ص ۴۳.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۹۳.

پوششی است که بدن را فراگرفته و دست کم سر، سینه و گردن تا نیمی از بدن را می پوشاند.^۱ قرطبی نیز می گوید: «در کیفیت پوشش جلاباب اختلاف نظر وجود دارد». ابن عباس و عبیده سلمانی معتقدند زن به گونه ای باید جلاباب را بر خود افکند که بیش از یک چشم وی پیدا نباشد. قتاده و ابن عباس معتقدند به گونه ای پوشد که دوش و عمده صورت پوشیده بماند؛ هرچند که چشمانش پیدا باشد و حسن می گوید که نیمی از چهره خود را بپوشاند.^۲

عده ای از مفسران اهل سنت معتقدند که چهره نیز باید پوشانده شود.^۳ زمخشری در بیان علت پوشش چهره می نویسد: «آیه دستور می دهد پوشش ها را به نحوی بر خود افکنند تا چهره و اطراف بدنشان را بپوشاند؛ چون در لغت هنگامی که پارچه از صورت زن کنار رود، می گویند پارچه ات را بر صورتت قرار بده».^۴

عده ای همچون طبری نیز با استناد به واژه «يعرفن» می گویند که زنان باید چهره خود را بپوشانند تا از کنیزان تشخیص داده شوند.^۵ زحیلی به نقل از ابن عباس می نویسد: «خداوند به زنان امر کرده که هنگام خروج از منزل برای انجام دادن کار از بالای سر خود، چهره را نیز بپوشانند و فقط یک چشم را باز گذارند».^۶ این در حالی است که عده ای از همین مفسران و فقیهان معتقد به پوشش چهره، ذیل تفسیر آیه سوره مبارکه نور، به صراحت می نویسند که پوشش دست ها و صورت نیازی نیست^۷ و علت آن رنج و سختی غیر قابل تحمل می دانند.

زحیلی در التفسیر المنیر به پوشش چهره زنان قائل بوده؛ اما در تفسیر بعدی خود یعنی در الوسیط، از رأی خود برگشته و صریحاً می گوید: پوشاندن چهره لازم نیست.^۸

۱. محی الدین ابن العربی، احکام القرآن، ج ۳، ص ۱۵۲ و ر. ک، محمد بن طاهر بن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۲۱، ص ۳۲۸.

۲. محمد بن احمد قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۴۳.

۳. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۱، ص ۲۶۴. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۱۸۳؛ اسماعیل بن عمر بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۴۲۵.

۴. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۵۵۹.

۵. محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری، ج ۲۲، ص ۳۴.

۶. وهبه الزحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۲، ص ۱۰۸.

۷. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۳، ص ۳۶۱؛ زمخشری، الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۲۳۱.

۸. وهبی الزحیلی، التفسیر المنیر، ج ۳، ص ۲۰۸۷.

۲. دیدگاه علمای فریقین در مسئله اشتغال زنان

اشتغال به معنای مشغول به کار و هر فعالیتی که انسان اعم از زن و مرد در خانه یا بیرون از خانه انجام می‌دهد.^۱ حق اشتغال از جمله حقوق زنان است که بین فریقین درباره آن افتراق وجود دارد. در آیه ۳۳ سوره احزاب خدای متعال می‌فرماید:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَ
أَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا؛

و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

الف. دیدگاه مفسران و فقهای اهل سنت

از منظر اهل سنت و در تفاسیر و روایات آنها نیز درباره اشتغال و حق اشتغال زن بحث شده است. درباره اشتغال زنان دیدگاه اهل سنت با مفسران شیعه فرق دارد و آنها معتقد به اشتغال زن در بیرون از خانه نبوده‌اند؛ چراکه اشتغال زن دارای اشکالات و ایرادات بسیاری است؛ از جمله این‌که آنها معتقدند که طبق آیه ۳۴ سوره نساء: «الزَّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» و آیه ۲۲۸ سوره بقره: «لِلزَّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» مسئولیت زندگی با مرد است و این تکلیف از زن ساقط و زن نباید کار کند و باید توان خود را در جایی قرار دهد که خداوند در فطرت و سرشتش قرار داده است و اگر قرار باشد زن کاری که بر عهده مرد است انجام دهد مستلزم تغییر قانون خدا است.^۲ نکته دیگر اینکه از حقوق اولیه هر انسان اشتغال و استمرار حیات است که بستگی به کار و تلاش دارد و حق آزادی کار برای هر انسانی که نیازمند تهیه امکانات زندگی است از قطعیات و مسلمات است و تفاوتی ندارد که زن و مرد باشد؛ اما از منظر اهل سنت تنها تفاوت بین زن و مرد این است که زن از جانب خدای عزوجل مکلف به تأمین معاش و کسب‌وکار نشده است. رفاعه طهطاوی، قاسم امین، محمد مهدی الحجوی و محمد عبده طرفداران عدم اشتغال

۱. شهاب‌الدین عسقلانی، فتح الباری، ص ۱۱.

۲. محمود خوش‌خبر، اشتغال زنان از دیدگاه فقیهان اهل سنت، ص ۱۴.

زن در جامعه و صرف عمر زن در آشپزخانه و تربیت بچه و خدمت زن به شوهرند.^۱ استدلال فقهای اهل سنت به این آیه از قرآن است که می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»؛^۲ و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

اکثریت اهل سنت اشتغال زن را در خارج از منزل جایز ندانسته و فطرتاً وظیفه زن را بارداری، شیردهی، تربیت فرزندان و پرداختن به کارهای خانه می‌دانند.^۳

قرطبی در ذیل این آیه بیان کرده که این آیه هرچند خطاب به زنان پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، شامل زنان دیگر هم می‌شود و لازم است زنان فقط در مواقع ضروری از خانه خارج شوند.^۴ این در حالی است که بعضی از این مفسرین مانند در خانه را امر واجبی برای زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سبب کمالی برای سایر زنان می‌دانند.^۵

سیوطی در تفسیر خود ذیل این آیه به نقل از ترمذی، روایتی از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بیان کرده که در آن، خروج زنان را از خانه منع می‌کند: «ان المرأة عورة فإذا خرجت استشرفها الشيطان وأقرب ما تكون من رحمة ربها وهي في قعر بيتها».^۶

با توجه به این مسئله که فعالیت و حضور زنان در اجتماع قطعاً میزان حضور آنان را در خانه کاهش می‌دهد، این مفسران دیدگاه مثبتی نسبت به فعالیت اجتماعی زنان ندارند و مسئولیت آنان را رسیدگی به امور منزل می‌دانند.

علاوه بر مباحث گفته‌شده، ذکر این مسئله قابل توجه است که مفسران اهل سنت، قیام عایشه را در جنگ جمل در جهت اصلاح امور مسلمین و خروج وی را، امری ضروری قلمداد کرده‌اند^۷ که قطعاً این مسئله نیازمند بحث و بررسی بیشتر است که در این مجال نمی‌گنجد. بعضی از این مفسران، مردان را نسبت به زنان قیّم، حاکم، مجاز در تأدیب و به‌طورکلی برتر و

۱. همان، ص ۱۶.

۲. احزاب، آیه ۳۳.

۳. رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۵، ص ۶۹.

۴. قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۸۱.

۵. ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۲۱، ص ۲۴۲.

۶. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، ج ۲، ص ۱۵۲.

۷. ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۲۱، ص ۲۴۴.

بهرتر از آنان می‌دانند؛ اما این مسئله را که حاکمیت زنان را بر مردان مجاز نمی‌دانند.^۱ آنان در تثبیت این عقیده به روایتی از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره کرده‌اند: «لَنْ يَفْلَحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمْرَهُمْ امْرَأَةٌ».^۲ هنگامی که به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر رسید که دختر کسرا پادشاه ایرانیان شده، فرمودند: «گروهی که زمام امور خویش را به دست زنی بسپارد رستگار نخواهد شد». این روایت در کتب معتبر حدیثی آنان نیز ذکر شده است؛ بنابراین، با توجه به اینکه گاهی فعالیت اجتماعی زنان برای اموری است که باعث می‌شود بر مردان تسلط یابند، در نتیجه بر طبق آرای این مفسرین این امر جایز نیست.

ب. دیدگاه مفسران و فقهای شیعه

در این آیه خداوند به زنان پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امر می‌کند که در خانه‌های خود قرار بگیرند و مانند زنان جاهلی تبرج نکنند. بعضی از مفسران شیعه ذیل این آیه بیان کرده‌اند که این حکم صرفاً مربوط به زنان پیغمبر نیست؛ بلکه حکمی عمومی برای همه زنان است.^۳

آیت‌الله جوادی آملی در این باره به اهمیت نقش مادران در تربیت فرزندان اشاره کرده و بخش مهمی از فساد در غرب را همین مسئله می‌داند و در ادامه متذکر شده که خداوند سبب آن به زنان فرمان می‌دهد در خانه حضور فعال داشته باشند.^۴ وی همچنین در جای دیگر به این مسئله که این آیه هشدار است برای حوادث آینده مثل واقعه جنگ جمل و خروج عایشه، اشاره کرده‌اند.^۵

به‌طور کلی مفسران امامیه خروج از منزل و فعالیت اجتماعی برای زنان را جایز دانسته‌اند؛ البته مشروط به اینکه به‌دور از هرگونه تبرج باشد. یکی دیگر از آیاتی که در این مورد می‌تواند تبیین‌کننده این مسئله باشد، آیه ۳۴ سوره نساء است. خدای متعال در این آیه می‌فرماید:

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُزُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اصْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَتَّبِعُوا

۱. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۱۸۵.

۲. محمد بن اسماعیل بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۶، ص ۲۷.

۳. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۳۶۰.

۴. عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۱، ص ۲۸۱.

۵. همان، ج ۱۰، ص ۴۹.

عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا؛

مردان، سرپرست و نگهدار زنانند، به سبب برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به علت انفاق‌هایی که از اموالشان (برای زنان) می‌کنند. زنان صالح، متواضع‌اند و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد)، در بستر از آن‌ها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آن‌ها به انجام وظایفشان نبود)، آن‌ها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرت‌هاست).

خداوند در این آیه مردان را بر زنان قیم می‌داند. بعضی از مفسران شیعه ذیل این آیه بیان کرده‌اند که قیومیت مردان نسبت به زنان صرفاً منحصر به زن و شوهر نیست؛ بلکه یک حکم عام را در بر می‌گیرد که اشاره به جنس زن و مرد دارد.^۱

از طرفی آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، این آیه را مطلقاً مربوط به زن و مرد ندانسته و معتقد است که با توجه به قرائن داخلی و خارجی، این آیه برای بیان احکام زن و شوهر است؛ اما در ادامه، به بیان این نکته که این آیه تعلیل آن عمومیت دارد و رهبری جامعه را نیز در بر می‌گیرد، تصریح کرده است.^۲

مفسران امامیه در بیان تفاوت‌های زن و مرد معتقدند که مردان فطرتاً قوه تعقل بالاتری نسبت به زنان دارند و توانایی آنان برای انجام دادن امور دشوار بیشتر است. از طرفی زنان هم نسبت به مردان احساسات و عواطف بالاتری دارند؛ به علاوه تعهد مردان در برابر زنان و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی و پرداخت مهر و تأمین زندگی آبرومندان همسر و فرزند، این حق را به آنان می‌دهد که وظیفه سرپرستی را عهده‌دار شوند.^۳

ممکن است زنانی در جهات فوق بر شوهران خود امتیاز داشته باشند؛ اما این قوانین به تک‌تک افراد و نفرات نظر ندارد؛ بلکه نوع و کلی را در نظر می‌گیرد و شکی نیست که از نظر

۱. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۶۱.

۲. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۸، ص ۵۵۴-۵۵۰.

۳. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۹.

کلی، مردان نسبت به زنان برای این کار آمادگی بیشتری دارند؛ اگرچه زنان نیز وظایفی می‌توانند بر عهده بگیرند که اهمیت آن مورد تردید نیست؛^۱ بنابراین با توجه به تفاوتی که به‌طورکلی در دو جنس مرد و زن وجود دارد، قطعاً مردان در انجام دادن اموری مانند حکومت و قضاوت مناسب‌ترند؛ چراکه این دو امر به قدرت تعقل و توانایی جسمی بالاتری نیازمند است.^۲

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ضمن بیان مطالب فوق، به اهمیت توجه به استقلال و آزادی زنان نیز تصریح کرده است. به عقیده وی، قیومیت صنف مردان بر صنف زنان در مجتمع بشری تنها مربوط می‌شود به جهات عامه‌ای که زنان و مردان هر دو در آن جهات شریک‌اند و چون جهانی است که نیازمند به تعقل بیشتر و نیروی زیادتر است که در مردان وجود دارد، یعنی امثال حکومت و قضا و جنگ بدون این‌که استقلال زن در اراده شخص و عمل فردی او خدشه‌ای بخورد و بدون این‌که مرد حق داشته باشد اعتراض کند که تو چرا فلان چیز را دوست می‌داری و یا فلان کار را می‌کنی، مگر آن‌که زن کار زشت را دوست بدارد یا مرتکب شود، همان‌طور که خداوند هم در قرآن کریم بدان اشاره کرده است: «فَإِنْ حَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ»^۳ و اگر بیرون روند، (حقی در هزینه ندارند؛ ولی) گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه درباره خود، به‌طور شایسته انجام می‌دهند».

قیومیت مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است بکند و معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش را سلب کند؛ پس زن هم‌چنان استقلال و آزادی خود را دارد، هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع نماید و هم می‌تواند برای رسیدن به این هدف‌هایش، به مقدماتی متوسل شود که او را به هدف‌هایش می‌رساند.^۴

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۰.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۳۴۳.

۳. بقره، آیه ۲۴۰.

۴. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۳۴۴.

کتابنامه

قرآن کریم.

۱. ابن العربی، محی الدین، احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین بن احمد، فتح الباری، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التتویر.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۷ ق.
۷. آلوسی بغدادی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محقق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، محقق: زیر نظر بن باز، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
۹. بلخی، ابوالحسن، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. پارسا، فروغ، «قرائت زن‌گرایانه از قرآن»، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۴، ۱۳۹۴.
۱۱. جعفریان، رسول، اطلس شیعه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۱.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: نشر اسراء، ۱۳۹۰.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. خوش‌خبر، محمود، «اشتغال زنان از دیدگاه فقیهان اهل سنت»، فروغ وحدت، شماره ۲۵.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲.
۱۶. رشیدرضا، سید محمد، المنار، بیروت: دارالفکر.
۱۷. الزحیلی، وهبه، التفسیر المنیر، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۸ ق.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۹. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه احمد بهشتی، تهران: فراهانی، ۱۳۵۱.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، تفسیر طبری، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. الطنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیا التراث العربی.
۲۵. عیدان، عقیل، محمدعبده و مسائل زنان، ۱۳۹۲.
۲۶. فاضل، محمدهادی، «بررسی لزوم و حدود حجاب در فقه اهل تسنن»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۷، ۱۳۸۶.
۲۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم، در راه حق، ۱۳۷۸.
۲۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، تحقیق محمد جلیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. قطب، سیدمحمد، فی ظلال القرآن، قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷.
۳۱. قمی، محمد بن محمدرضا، کنز الدقایق و بحر الغرائب، محقق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۳۳. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران: صدرا، ۱۳۸۷.
۳۴. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.